



Bi-quarterly Journal of "Islamic Economics Studies"
Vol. 15, No. 2, (Serial 30), Spring and Summer 2023

Research Article

doi: 10.30497/ies.2024.243505.2119



Received: 2024/02/25

Accepted: 2024/05/11

Investigating The effect of resistance economy index on unemployment control in different provinces of Iran

Mohammad Ghaffaryard[□]

Sayed Mortaza Kazimi^{□□}

Sayed Mohammad Hazeq^{□□□}

Abstract

Unemployment is one of the problems of developing countries and addressing this problem requires proper and comprehensive planning. In view of the escalation of oppressive economic sanctions against Iran, the policies of the resistance economy to deal with economic and political shocks and shocks were put on the agenda. Considering the importance of resistance economics, the effect of resistance economic indicators on unemployment control in Iranian provinces was investigated using the generalized least squares econometric method of panel estimation. The results show that there is a significant relationship between unemployment rate with people-centered economy, knowledge-based economy, endogenous economy, justice-oriented and continuous progress as components of resistance economy in Iranian provinces. Thus, the endogenous of the economy and the knowledge base of the economy with a coefficient of 0.68 and 0.61 percent, respectively, have the greatest impact on reducing unemployment in the provinces of Iran. Therefore, it is necessary for economic and regional policymakers to reduce unemployment in the provinces of Iran, increase growth and technology centers, equip and upgrade skills centers, develop technology infrastructure, regional balance policies, empower low-income, reduce production tax rates. And put monetary and financial discipline on their agenda.

Keywords: Resistance Economy, Unemployment, Panel EGLS, Provinces of Iran.

JEL Classification: J18, E24, B23

□ Associate professor of Department of Economics, Faculty of Economics and Management, Ahlul Bayt International University, Tehran, I.R.Iran (Corresponding author).

mghaffaryard@abu.ac.ir

0000-0002-7285-18997

□□ Master of economics, Department of Economics, Faculty of Economics and Management, Ahlul Bayt International University, Tehran, I.R.Iran.

smkazimi25@gmail.com

0009-0001-6476-630x

□□□ Master of economics, Department of Economics, Faculty of Economics and Management, Ahlul Bayt International University, Tehran, I.R.Iran.

mohammad.hazeq5566@gmail.com

0009-0008-6369-8123

دوفصلنامه علمی «مطالعات اقتصاد اسلامی»، مقاله پژوهشی، سال پانزدهم، شماره دوم (پیاپی ۳۰)، بهار و تابستان ۱۴۰۲، صص. ۴۳۳-۴۶۶

مقاله برای اصلاح به مدت ۱۰ روز نزد نویسندگان بوده است.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۲

بررسی اثر مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی بر کنترل بیکاری در استان‌های ایران (رویکرد حداقل مربعات تعمیم یافته برآوردی)

محمد غفاری فرد*

سیدمرتضی کاظمی**

سیدمحمد حاذق***

چکیده

بیکاری یکی از معضلات کشورهای در حال توسعه است که رسیدگی به این معضل نیازمند برنامه‌ریزی درست و همه‌جانبه می‌باشد. با توجه به تشدید تحریم‌های ظالمانه اقتصادی علیه ایران، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی جهت مقابله با شوک‌ها و تکانه‌های اقتصادی - سیاسی در دستورکار قرار گرفت. با عنایت به اهمیت اقتصاد مقاومتی، اثر شاخص‌های اقتصاد مقاومتی بر کنترل بیکاری در استان‌های ایران با استفاده از روش اقتصادسنجی حداقل مربعات تعمیم یافته برآوردی بررسی شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که رابطه معنادار بین نرخ بیکاری با اقتصاد مردم محور، اقتصاد دانش بنیان، درون‌زایی اقتصاد، عدالت محوری و تداوم پیشرفت به عنوان مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی در استان‌های ایران وجود دارد، به نحوی که درون‌زایی اقتصاد و دانش بنیانی اقتصاد به ترتیب با ضریب ۰.۶۱ و ۰.۶۸ درصد بیشترین تأثیر را در کاهش بیکاری استان‌های ایران دارد؛ بنابراین لازم است سیاست‌گذاران اقتصادی و منطقه‌ای جهت کاهش بیکاری در استان‌ها، افزایش مراکز رشد و فناوری، تجهیز و ارتقای مراکز - مهارتی، توسعه زیرساخت‌های فناوری، سیاست‌های توازن منطقه‌ای، توانمندسازی دهک‌های پایین درآمدی، کاهش نرخ‌های مالیاتی بخش تولیدی و انضباط پولی و مالی را در دستورکار خود قرار دهند.

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، بیکاری، حداقل مربعات تعمیم یافته برآوردی، استان‌های ایران.

طبقه‌بندی JEL: B23, E24, J18

* دانشیار گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه بین‌المللی اهل بیت علیهم السلام، تهران، جمهوری

اسلامی ایران (نویسنده مسئول).

mghaffaryfard@abu.ac.ir

0000-0002-7285-18997

** کارشناس ارشد گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه بین‌المللی اهل بیت علیهم السلام، تهران،

جمهوری اسلامی ایران.

smkazimi25@gmail.com

0009-0001-6476-630x

*** کارشناس ارشد گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه بین‌المللی اهل بیت علیهم السلام، تهران،

جمهوری اسلامی ایران.

mohammad.hazeq5566@gmail.com

0009-0008-6369-8123

مقدمه

در علم اقتصاد، بیکار به فردی اطلاق می‌شود که در سن ۱۵ تا ۶۵ سالگی در جستجوی کار باشد ولی شغل یا منبع درآمدی نداشته باشد (دفتر جمعیت مرکز آمار ایران، ۱۳۹۱). بیکاری نمایانگر عدم فرصت‌های قانونی از کسب و درآمد بوده و وقتی فردی بیکار می‌شود احتمال ورود به جرائم افزایش می‌یابد (Farjamneya & et al, 2017). بیکاری باعث ایجاد آشفتگی در شرایط اقتصادی جامعه می‌شود (Zhang, 2010). افراد بیکار به شکل سربار در جامعه ظاهر می‌شود و سهمی در تولید کالا و خدمات ندارند، علاوه بر این پدیده بیکاری باعث گرفتار شدن افراد در مشکلات و گرفتاری‌های اجتماعی مثل جرائم، اعتیاد، طلاق و فساد اخلاقی گردیده و بنیه‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه را به‌تزلزل و نابودی هدایت می‌کند (Phillips, 1958). ادامه این سلسله، آسیب‌های ساختاری و افزایش هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی را دربر خواهد داشت. از طرف دیگر با وجود بیکاری در جامعه، قدرت خرید افراد پایین آمده و چرخه اقتصاد به دلیل عدم پس‌انداز و سرمایه‌گذاری ناشی از بیکاری، کم شده و در نتیجه تولید ملی نیز کاهش می‌یابد. برای کاهش بیکاری باید اقتصاد ملی را در زمینه‌های مختلف مثل تولیدات داخلی و سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی تحریک کرد تا از طریق آن رشد اقتصادی و اشتغال‌زایی ایجاد گردد؛ بنابراین به نظر می‌رسد در کشوری مثل ایران، شاید بتوان از طریق اقتصاد مقاومتی، رشد اقتصادی ایجاد کرد و نرخ بیکاری را کاهش داد. برای تبیین مفهوم اقتصاد مقاومتی باید گفت که برای اولین بار در سال ۱۳۸۹ توسط مقام معظم رهبری وارد ادبیات اقتصادی ایران گردیده است. هرچند تا اکنون نظریات متفاوتی از مفهوم اقتصاد مقاومتی بین صاحب‌نظران اقتصادی ایران مطرح شده ولی به صورت کلی با محوریت بیانات مقام معظم رهبری مورد بحث و استدلال قرار می‌گیرد. اقتصاد مقاومتی، ساختار اقتصادی مدیریتی است که اقتصاد ملی را در برابر تحریم‌ها و شوک‌های اقتصادی، مقاوم و تاب‌آوری می‌سازد (ابراهیم‌زاده و دیگران، ۱۳۹۵). اقتصاد مقاومتی، با تمرکز بر منابع و ظرفیت داخلی توأم با ایجاد و حفظ همبستگی بین مردم، اقتصاد به‌سوی کاهش وابستگی به‌دنایای خارج و متکی به خود متمایل می‌شود؛ بنابراین اقتصاد مقاومتی، مختص به شرایط تحریم و جنگ نیست بلکه

یک نظام اقتصادی و یک چشم‌انداز بلندمدت اقتصادی است که بر اساس محوریت درون‌زایی، برون‌گرایی، عدالت‌بنیانی، دانش‌بنیانی، مردم‌باوری و تداوم پیشرفت، مطالعه و دنبال می‌شود (اخوان؛ ایمانی و نبی‌زاده، ۱۳۹۵).

با توجه به اهمیت موضوع، هدف این پژوهش بررسی اثر شاخص‌های اقتصاد مقاومتی بر کنترل بیکاری در استان‌های ایران است. این پژوهش اثر شاخص‌های اقتصادی مقاومتی را با استفاده از داده‌های سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ به روش اقتصادسنجی حداقل مربعات تعمیم‌یافته برآوردی پانلی بر نرخ بیکاری سنجش نموده‌اند، به این پرسش، پاسخ می‌دهد که آیا شاخص‌های اقتصاد مقاومتی باعث کاهش بیکاری در استان‌های ایران می‌گردند؟ در این راستا این فرضیه که مؤلفه‌های مختلف اقتصاد مقاومتی باعث کاهش بیکاری در استان‌های ایران خواهد شد، آزمون می‌شود. در این پژوهش بعد از مقدمه به‌ترتیب مبانی نظری، پیشینه داخلی و خارجی پژوهش، روش‌شناسی، یافته‌ها و در آخر نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی ارائه می‌گردد.

۱. مبانی نظری

۱-۱. مفهوم اقتصاد مقاومتی

مفهوم اقتصاد مقاومتی اولین بار در سال ۱۳۸۹ توسط مقام معظم رهبری مطرح شد و از آن پس وارد ادبیات علم اقتصاد در ایران شد. هرچند تا کنون نظریات متفاوتی از مفهوم اقتصاد مقاومتی بین صاحب‌نظران اقتصادی ایران مطرح شده ولی به‌طورکلی با محوریت بیانات مقام معظم رهبری مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. اقتصاد مقاومتی، ساختار اقتصادی مدیریتی است که اقتصاد ملی را در برابر تحریم‌ها و شوک‌های اقتصادی مقاوم و تاب‌آور می‌سازد. اقتصاد مقاومتی، الگویی است که ظرفیت مقابله با شوک‌ها، نا اطمینانی و تکانه‌های اقتصادی، سیاسی و طبیعی را برای خود ایجاد نموده و می‌تواند در شرایط دشوار نیز به رشد و ترقی خود ادامه داده و به‌راحتی به تعادل پایدار اولیه بازگردد (نوفرستی، ۱۳۹۵).

اندیشمندان خارجی در مقالات خود عمدتاً بر شوک‌های وارده به یک اقتصاد پرداخته و به‌جای اقتصاد مقاومتی اقتصاد تاب‌آور را استفاده نموده است (یوسفی و موسوی‌نژاد، ۱۳۹۸، ص. ۱۸۳)؛ البته باید این موضوع یادآور شد که بسیاری از ابعاد و

مؤلفه‌های که در پژوهش‌های آنها مورد نظر بوده با مواردی که در اقتصاد مقاومتی لحاظ می‌گردد، مطابقت دارد؛ اما تفاوت اصلی این دو مفهوم در رویکردهای ملاحظات امنیت اقتصادی و به‌ویژه در مسائل ارزشی یافت می‌شود. یکی از ابعاد اصلی و ملاحظات مؤثر بر اقتصاد مقاومتی حفظ ارزش‌های اسلامی و الهی (پیشرفت اقتصادی و عدالت اجتماعی) است، موردی که در نگاه مادی‌گرایی حاکم بر اقتصاد جهانی موضوعیت ندارد.

هسته سخت نظریه اقتصاد مقاومتی «استحکام ساخت درون» است (ارشدی و دیگران، ۱۴۰۰، ص. ۱۲۹). پیشرفت اقتصادی برای دستیابی به استحکام ساخت درونی بسیار مهم است؛ زیرا وقتی سرمایه‌اندوزان بین‌المللی یک ملت و یک کشور را در چنبره اقتصادی خودشان درآورند، اگر مسئولان اقتصادی کشور بتوانند اقتصاد ملی را شکوفا کنند ملت احساس اقتدار می‌کند. اساساً اقتصاد مقاومتی یک رویکرد کوتاه‌مدت سلبی و اقدامی صرفاً پدافندی نیست بلکه این رویکرد چشم‌انداز کلان به اقتصاد ایران دارد (یوسفی و موسوی‌نژاد، ۱۳۹۸، ص. ۱۸۴).

چنانچه مقام معظم رهبری فرمودند: «مطرح کردن اقتصاد مقاومتی، مختص به شرایط فعلی تحریم و جنگ اقتصادی نیست بلکه یک برنامه‌ریزی و سیاست‌های اقتصادی بلندمدت است که برای شرایط امروز هم مؤثر است، برای دوران پس از تحریم نیز مفید است؛ زیرا بنای اقتصاد کشور بر این سیاست‌های بلندمدت گذاشته می‌شود» (۱۳۹۵/۱/۱).



شکل (۱): مؤلفه‌های کلیدی اقتصاد مقاومتی

۲-۱. مفهوم بیکاری

بیکار به تمام افراد ۱۵ ساله و بیشتر اطلاق می‌شود که در جستجوی کار باشند ولی شغل و منبع درآمدی نداشته باشند. بیکاری در شرایطی به وجود می‌آید که عرضه نیروی کار بیشتر از تقاضای آن باشد که همان مازاد عرضه نیروی کار را بیکاری می‌گوید. شادی، رضایت و رفاه زندگی انسان‌ها از پدیده بیکاری اثرپذیر است، طوری که در اقتصاد کلان، معادله رضایت از زندگی از سه عنصر؛ نرخ رشد، نرخ بیکاری و نرخ تورم تشکیل شده و حضور این متغیرها به عنوان متغیر توضیحی در معادله رضایت از زندگی، ارتباط رفاه ذهنی و اقتصاد کلان را مشخص می‌کند (Welsch, 2007)؛ بنابراین توجه به بیکاری از جمله مهم‌ترین اهداف سیاست‌های کلان اقتصادی از منظر سیاست‌گذاری است، چون بیکاری، رفاه اقتصادی و اجتماعی را سلب کرده و امید به زندگی را کاهش می‌دهد (Khorsandi & Babaei, 2016). برای همین افراد بیکار و فاقد شغل که در رفع نیازهای زندگی درآمد ندارند، مجبور می‌شوند تا از طریق فعالیت‌های غیرقانونی نیازها و خواسته‌های‌شان را مرتفع بسازند. در این صورت نظم و انسجام اجتماعی و امنیت جامعه مختل می‌شود که ناامنی ناشی از بیکاری، آسیب مهلک بر پیکر اقتصاد جوامع وارد می‌کند و زمینه فقر و وابستگی اقتصادی را ایجاد خواهد کرد.

۳-۱. ارتباط بین مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی و بیکاری

با توجه به شواهد و تجربیات، هر تغییر و تحولی در بخش‌های مختلف جوامع بشری از نیازهای انسان منشأ می‌گیرد. در کشور ایران اقتصاد مقاومتی نیز در شرایطی مطرح شد که تعاملات بین‌المللی این کشور به وسیله تحریم‌های اقتصادی توسط تحریم‌کننده‌ها محدود گردید؛ بنابراین در چنین شرایطی توجه به ظرفیت‌های داخلی و رشد تولیدات داخلی می‌تواند به نیازهای کشور پاسخ گفته و به رشد خود ادامه دهد که اقتصاد مقاومتی با توجه به همین ملزومات شکل گرفته است. اکنون تأثیر هر کدام از مؤلفه‌های محوری اقتصاد مقاومتی را بر بیکاری بررسی می‌شوند:

۱-۳-۱. اثر شاخص درون‌زایی بر بیکاری

درون‌زایی یعنی جوشیدن از دل ظرفیت‌های خود کشور و مردم، یعنی تولید ثروت از

طریق فعالیت‌های درونی کشور در جهت خودباوری، خوداتکایی، خودارتقای و خودکفایی می‌باشد (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۱/۱). درون‌زایی موتور محرکه اقتصاد است که تمام متغیرهای کلان اقتصادی از آن متأثر می‌شود. درون‌زایی از طریق مؤلفه‌های زیر بر بیکاری تأثیر می‌گذارد:

۱- خودباوری: خودباوری در اقتصاد مقاومتی، به معنی شناخت نیازها و ظرفیت‌های موجود داخلی است؛

۲- خوداتکایی: خوداتکایی به معنی اتکا به ظرفیت‌های داخلی است. بعد از شناخت ظرفیت‌های داخلی سعی می‌شود تا خلأها و نیازهای داخلی مثل ایجاد رشد اقتصادی، کاهش نرخ متغیرهای (بیکاری، تورم و نابرابری) از طریق به‌کارگیری توان و ظرفیت‌های داخلی رفع گردد؛

۳- خودکفایی: خودکفایی خروجی خوداتکایی است. هرچند با توجه به نظریه مزیت نسبی تجاری، خودکفایی در علم اقتصاد توصیه نمی‌شود ولی در شرایط تحریم لازم است تا به‌منظور رفع تحریم‌ها و دفع شوک‌های ناشی از تحریم، خودکفایی تحقق یابد. در حالت خودکفایی میزان تولیدات داخلی افزایش می‌یابد که با افزایش تولیدات داخلی، شغل‌های بیشتر به‌وجودآمده و با استخدام نیروی کار داخلی در پروسه تولید، بیکاری در کشور کاهش می‌یابد؛

۴- خودارتقای: خودارتقای به معنی افزایش توان تولیدات داخلی در جهت رفع نیازهای داخلی و خارجی می‌باشد. در چنین شرایطی هم با توسعه کسب‌وکار در نتیجه افزایش تولیدات داخلی و نیز از طریق گسترش تنوع تولید و سرمایه‌گذاری‌های بیشتر در نتیجه مراودات با سایر کشورها، نرخ بیکاری در کشور کاهش می‌یابد (لطفی و توکلی، ۱۳۹۹).

۱-۲-۳. اثر شاخص برون‌گرایی بر بیکاری

برون‌گرایی یکی از محورهای کلیدی اقتصاد مقاومتی است که پس از تحقق شاخص درون‌زایی، اعمال می‌شود. منظور از برون‌گرایی تعامل اقتصادی و تجاری با سایر کشورهاست که با توجه به اصول و معیارهای اقتصادی کشور در جهت بهره‌برداری از

فرصت‌های موجود در سه بخش زیر صورت می‌گیرد (شقاقی شهری، ۱۳۹۶):

۱- دانش فنی

۲- سرمایه

۳- بازار

برون‌گرایی از مجراهای زیر بر متغیر بیکاری تأثیر می‌گذارد: برون‌گرایی در حوزه دانش فنی شرایطی را مساعد می‌سازد که کشور ایران بتواند در سطح بین‌الملل به سایر کشورها دانش فنی خود را عرضه کند و همین‌طور سایر کشورها نیز در این حوزه نوآوری فنی خود را ناشی از دانش فنی به کشور ایران عرضه کنند. در اثر این تبادل دانش فنی، سیستم‌های تولیدی اثرپذیر شده و تنوع تولید را در کشور به‌وجود می‌آورد. تنوع تولید منجر به افزایش فرصت‌های شغلی شده و بیکاری را در جامعه کاهش می‌دهد (حلقه R1)؛

برون‌گرایی در حوزه سرمایه، یعنی انتقال سرمایه به خارج و جذب سرمایه خارجی به کشور می‌باشد. سرمایه‌گذاری به سایر کشورها سبب ایجاد روابط دوستانه تجاری و اقتصادی با کشورها شده و زمینه سرمایه‌گذاری خارجی را در داخل کشور فراهم می‌سازد. در اثر شغل‌های به‌وجود آمده از سرمایه‌گذاری خارجی در بخش‌های مختلف، نرخ بیکاری در کشور کاهش می‌یابد (حلقه R2)؛

برون‌گرایی در حوزه بازار، زمینه فروش محصولات و تولیدات داخلی را در بازارهای بین‌المللی ایجاد می‌نماید. در این‌صورت تولیدکنندگان داخلی از فروش محصولاتشان اطمینان خاطر داشته و بیشتر از قبل به تولید و گسترش آن ادامه می‌دهند که افزایش تولیدات داخلی متناسب با افزایش شغل بوده و بر کاهش نرخ بیکاری اثر می‌گذارد (حلقه R3).

۱-۳-۳. اثر شاخص دانش بنیانی بر بیکاری

یکی از شاخص‌های اقتصاد مقاومتی، دانش بنیانی است. در اقتصاد مبتنی بر دانش؛ کسب، خلق و بهره‌برداری از دانش در راستای ایجاد و افزایش سرمایه و رشد اقتصادی نقش مهم داشته و در عصر حاضر به‌موتور محرکه رشد اقتصادی تبدیل شده است

(Dasgupta & Dare, 1994). طبق تعریف بانک جهانی، اقتصاد دانش بنیان دارای چهار مؤلفه اصلی است (غفاری فرد و دیگران، ۱۴۰۰، ص. ۲).

۱- آموزش و مهارت نیروی انسانی: نیروی آموزش دیده و ماهر، نیاز اصلی یک کشور برای خلق، کسب، انتشار و استفاده از دانش است. آموزش موجب کسب دانش های جدید و گسترش و ارتقای دانش می گردد. با گسترش علم و دانش، مهارت و تخصص نیروی کار افزایش می یابد که استفاده از نیروی متخصص در پروسه تولید، روند فعالیت ها را تسریع بخشیده و به گسترش دامنه ای تولید مؤثر بوده که رشد اقتصادی و متغیر بیکاری از این روند متأثر خواهد شد (حلقه R4)؛

۲- زیرساخت های اطلاعاتی: زیرساخت های فناوری و اطلاعات، می تواند به طور مؤثری فرایندهای ارتباطی و اطلاعاتی، کسب و انتشار دانش را تسهیل بخشد. فناوری اطلاعات و ارتباطات از جنبه های مختلف باعث رشد اقتصادی و کاهش بیکاری می شود؛ مثلاً از طریق جذب سرمایه در بخش فناوری اطلاعات و ارتباطات باعث افزایش نوآوری در پروسه تولید، افزایش بهره وری و عرضه محصولات جدید می شود و همچنان استفاده از فناوری باعث تسریع روند تولید، کاهش هزینه های تولیدی و کاهش قیمت تمام شد کالاها و خدمات تولیدی می شود (غفاری فرد؛ ملکی نصر و حاذق، ۱۴۰۰). با کاهش هزینه های تولید، تولیدات داخلی روند افزایشی را داشته و فرصت های شغلی بیشتری را ایجاد می کند؛

۳- سیستم های نوآوری و ابداعات: یک سیستم ابداعات شامل شبکه ای از مؤسسات، قوانین و فرایندهای است که به روش های خلق، کسب، انتشار و استفاده از دانش تأثیر می گذارد (Chen & Dalman, 2005). دانشگاه ها، مراکز تحقیق و توسعه، پارک های علم و فناوری نقش مهمی در ایجاد سیستم نوآوری دارند. این سیستم می تواند محیطی را ایجاد کند که در آن بخش تحقیق و توسعه پرورش یابد و روند ایجاد شده توسط این سیستم باعث افزایش ابداعات یعنی باعث افزایش (تولید کالاهای جدید، فرایندهای تولیدی جدید و دانش جدید) شده و رشد اقتصادی را تحقق می بخشد. چون بیکاری با رشد اقتصادی رابطه عکس دارد، با افزایش تولید و بهره وری بالا ناشی از سیستم ابداعات، نرخ بیکاری نیز کاهش می یابد (حلقه R5)؛

۴- رژیم‌های اقتصادی و نهادی: دولت‌ها در اقتصاد دانش‌بنیان نقش کلیدی دارند؛ زیرا رژیم‌های اقتصادی و نهادی شامل یک دولت کارا و قابل اطمینان که در اثر حاکمیت قانون، سطح فساد در آن پایین بوده و مشوق فعالیت‌های اقتصادی باشد (حلقه R6). این مشوق‌های دولت در قالب حمایت از قوانین تجارت و حقوق مالکیت فردی و معنوی، باعث رشد اقتصاد ملی می‌گردد (Fagerberg & Verspen, 2003). باوجود این حمایت دولت در این زمینه‌ها باعث افزایش فعالیت‌های تجاری و کارآفرینانه توسط بخش خصوصی شده و همزمان با گسترش فعالیت‌های آنان، نیروی بیکار جامعه به شغل و درآمد دست خواهد یافت. همچنین این محور تأکید و توجه دارد تا منابع از بخش ناکارا به بخش‌های کارا هدایت داده شود که این امر نیز افزایش بهره‌وری، کاهش بیکاری و رشد اقتصادی با بازدهی بالا را به ارمغان می‌آورد.

۱-۳-۴. اثر شاخص عدالت‌بنیانی بر بیکاری

عدالت‌بنیانی یکی از مؤلفه‌های برجسته اقتصاد مقاومتی می‌باشد که تأکید به برقراری عدالت و قسط در جامعه دارد. عدالت‌بنیانی یعنی عدالت در توزیع منابع و ثروت است که به منظور سیاست‌های فقرزدایی و تأمین رفاه عمومی، منجر به کاهش متغیرهای (فقر، شکاف طبقاتی و بیکاری) می‌گردد (لطفی و توکلی، ۱۳۹۹). در عصر حاضر شکاف طبقاتی در تمام کشورها گسترش یافته‌اند که ریشه‌ای این فاصله طبقاتی در بی‌عدالتی توزیع منابع و ثروت می‌باشد. شاخص عدالت‌بنیانی تأکید می‌ورزد تا منابع و ثروت به‌طور عادلانه میان شهروندان یک کشور توزیع گردد؛ بنابراین با توجه به موضوع تحقیق، شاخص عدالت‌بنیانی از طریق کانال‌های توزیع عادلانه منابع و ثروت بر متغیر بیکاری تأثیر می‌گذارد؛ به‌طوری‌که تحقق توزیع عادلانه منابع و ثروت میان تمام اقشار جامعه، به افراد توانایی اقتصادی ایجاد می‌نماید تا در جهت مرفوع ساختن نیازهای معیشتی‌شان به کسب‌وکار توجه کنند. گسترش کسب‌وکارها ناشی از توزیع عادلانه ثروت، موجب سرمایه‌گذاری‌های بیشتر گردیده و بر متغیرهای تولید و بیکاری در کشور تأثیر می‌گذارد (حلقه R7).

در فضای عدالت‌محوری اقتصاد مقاومتی، درون‌زایی نیز از طریق گسترش و تأمین

عدالت در ساختار اقتصادی و اجتماعی تقویت می‌شود و فضای عمومی متوازن در پهنه سرزمین و گروه‌های درآمدی شکل می‌گیرد. امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «همانا عدالت، گشایش و رهایی از مشکلات می‌باشد» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵). بیکاری نیز یکی از مشکلات جامعه است که در پرتو عدالت اقتصادی، کاهش می‌یابد.

۱-۳-۵. اثر شاخص اقتصاد مردم محور بر بیکاری

در خصوص مؤلفه اقتصادمردم محور، مقام معظم رهبری فرمودند: «محور اصلی اقتصاد مقاومتی، مردم بنیاد است؛ یعنی اقتصاد مقاومتی بر محور دولت نیست و اقتصاد دولتی نیست. بلکه اقتصاد مردمی است که با ارادهٔ مردم، سرمایه مردم و حضور مردم تحقق پیدا می‌کند و نقش دولت؛ هدایت، نظارت و کمک به مردم در فعالیت‌های اقتصادی است» (مقام معظم رهبری، ۱/۱/۱۳۹۳).

با توجه به بیانات مقام معظم رهبری، اقتصاد مردم محور از شیوه‌های زیر بر بیکاری اثر می‌گذارد:

۱- اراده و تصمیم‌گیری مردم: در اقتصادی که اراده و نقش مردم پُررنگ باشد، مردم احساس مسئولیت می‌کنند و از این طریق فعالیت‌های کارآفرینانه و کسب‌وکار بیشتر رونق گرفته و شغل بیشتری ایجاد می‌گردد؛

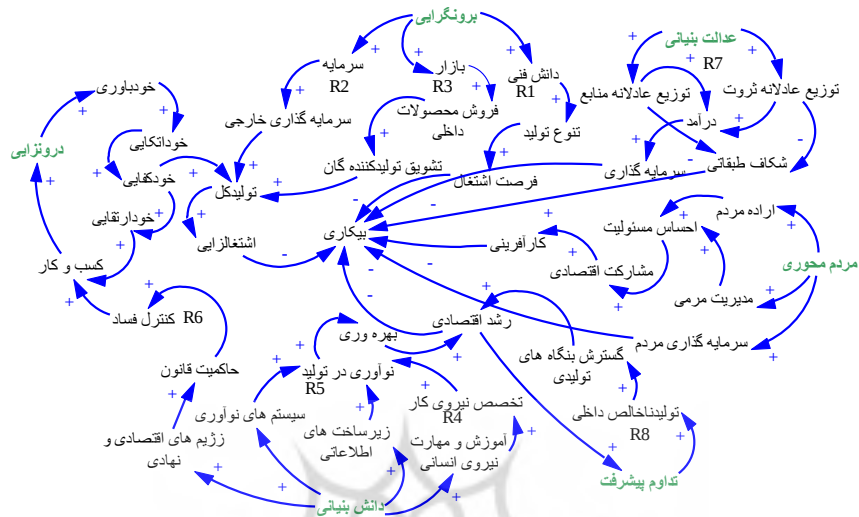
۲- سرمایه‌گذاری مردمی: اقتصاد مقاومتی، شرایطی را فراهم می‌کند که همه مردم بتوانند در بخش‌های مختلف به سرمایه‌گذاری تمرکز کنند و سرمایه‌گذاری‌های عمومی باعث اشتغال‌زایی و کاهش بیکاری در کشور می‌گردد؛

۳- مدیریت مردمی در اقتصاد: هدف از مردمی‌بودن مدیریت اقتصاد، اینکه هر فردی که در سرمایه شرکت‌ها و بنگاه‌های تولیدی سهمی دارند؛ در تصمیم‌گیری‌ها و مدیریت بنگاه سهم می‌باشند. در این صورت شفافیت و صداقت بین صاحبان سرمایه به وجود می‌آید و مردم در برابر مشکلات و گسترش فعالیت‌های تولیدی‌شان، با انگیزه و حضور جمعی عمل می‌کنند که در نتیجه منجر به افزایش تولید و کسب سود بیشتر شده و معضله بیکاری بهبود می‌یابد (قاسمی و رجایی رامشه، ۱۳۹۹).

۱-۳-۶. اثر شاخص تداوم پیشرفت بر بیکاری

کلیه شاخص‌های اقتصاد مقاومتی به‌طور زنجیره‌ای باهم وصل هستند که در صورت عدم تحقق هریک از آنها، سایر بخش‌ها ممکن است اثربخشی خود را از دست دهند. شاخص تداوم پیشرفت، بعد از تحقق محورهای درون‌زایی، برون‌گرایی، دانش‌بنیانی، مردم‌باوری و عدالت‌محوری مطرح می‌شود. تداوم پیشرفت، سیاست نظارتی و مدیریتی منوط بر نتیجه عملکرد سایر مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی بوده و سعی می‌شود تا علاوه بر حفظ بهره‌وری و رشد تولیدات داخلی با کاهش درآمدهای نفتی، رشد فزاینده در اقتصاد کشور ایجاد نماید. درواقع هدف از تداوم پیشرفت، ایجاد تعادل بین بخش‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی است. از آنجاکه پدیده بیکاری در بلندمدت باعث ایجاد فاصله طبقاتی و گسترش فقر در جامعه می‌شود؛ یکی از برنامه‌های دستور کار تداوم سیاست‌های پیشرفت در اقتصاد مقاومتی است که از طریق تحریک و استمرار جهش‌های اقتصادی در جامعه فقر و بیکاری رفع می‌شود.

با توجه به مطالب فوق، شاخص تداوم پیشرفت خروجی سایر مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی می‌باشد. آنچنان‌که سایر مؤلفه‌ها بررسی گردید؛ نشان می‌دهد که اقتصاد مقاومتی در جستجوی افزایش تولید ناخالص داخلی و رشد اقتصادی با وجود تحریم‌های اقتصادی می‌باشد. افزایش تولید ناخالص داخلی با حضور تحریم‌ها، وابسته به ظرفیت‌ها و تولیدات داخلی بوده که گسترش بنگاه‌های تولیدی را در کشور به همراه خواهد داشت. با افزایش تعداد بنگاه‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری داخلی، فرصت‌های شغلی بیشتری در سطح کشور به وجود می‌آید که می‌توانند پدیده بیکاری را تحت کنترل داشته باشد (حلقه R8). کانال‌های اثرگذاری مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی بر بیکاری در نمودار (۱) به تصویر کشیده شده است.



منبع: (یافته‌های تحقیق)

نمودار (۱): کانال‌های اثرگذاری مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی بر بیکاری

همان‌طوری که در نمودار (۱) نشان داده شده است هر یک از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی باعث کاهش نرخ بیکاری می‌گردد. عدالت‌بنیانی باعث توزیع عادلانه ثروت و منابع شده و این دو باعث افزایش درآمد و کاهش شکاف طبقاتی افراد جامعه می‌شود. افزایش درآمد از طریق سرمایه‌گذاری سبب افزایش اشتغال و کاهش بیکاری می‌گردد. مردم‌محوری اقتصاد باعث حاکم شدن اراده مردم در اقتصاد خواهد شد. در این شرایط با حضور مردم و در دست گرفتن بخش‌های اقتصادی کشور توسط احاد ملت، سرمایه‌گذاری، کار آفرینی، مدیریت و نظارت مردمی و مشارکت اقتصادی در سطح کلان و خرد اقتصاد افزایش یافته و سبب کاهش نرخ بیکاری می‌شود. تداوم پیشرفت در اقتصاد باعث گسترش بنگاه‌های تولیدی و ارتقای رشد اقتصادی و پیشرفت شده و در نهایت این هردو باعث کاهش بیکاری می‌شود. دانش‌بنیانی اقتصاد از طریق کانال آموزش و مهارت نیروی انسانی، گسترش زیرساخت‌های اطلاعاتی، ارتقای سیستم‌های نوآوری منجر به گسترش نوآوری در تولید و در نهایت افزایش بهره‌وری در اقتصاد به‌عنوان یک عامل مهم رشد اقتصادی می‌شود که خود منجر به کاهش نرخ بیکاری

می‌شود. از طرفی با ارتقای دانش‌بنیانی در اقتصاد، رژیم‌های اقتصادی و نهادی اصلاح و ارتقا می‌یابد که باعث حاکم شدن قوانین کارآمد و شفاف در جامعه شده و در نهایت با کنترل فساد، رانت، افزایش رقابت‌پذیری اقتصادی و تسهیل فضای کسب‌وکار، بسیاری از فعالیت‌های کسب‌وکار رونق گرفته و نرخ بیکاری کاهش می‌یابد. درون‌زایی اقتصاد باعث خودباوری و افزایش کسب‌وکار شده که این هر دو سبب خوداتکایی و خودکفایی در بین فعالان اقتصادی داخلی شده که هر سه مورد یاد شده سبب افزایش تولید و کاهش بیکاری می‌شود. با برون‌گرایی در اقتصاد، همکاری‌های بین‌المللی افزایش یافته و اشتراک‌گذاری دانش فنی و تسخیر بازارهای بین‌المللی و گسترش جریان سرمایه به داخل افزایش خواهد یافت. مجموع این سیاست‌های برون‌گرایی منجر به تنوع فروش محصولات داخلی در خارج، به‌کارگیری دانش نوین فنی و افزایش سرمایه‌ها در بازار داخلی می‌شود که در نهایت فرصت‌های شغلی و تولید داخلی را شتاب می‌بخشد.

۲. پیشینه پژوهش

۲-۱. پیشینه داخلی

از سال ۱۳۸۹ که مفهوم اقتصاد مقاومتی وارد ادبیات اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران شد، تبدیل به یکی از مباحث بحث‌برانگیز میان نخبگان، نظریه‌پردازان و پژوهش‌گران علوم اقتصادی کشور گردیده و مطالعات و تحقیقات زیادی در خصوص ارتباط اقتصاد مقاومتی و تأثیرگذاری آن بر متغیرهای کلان اقتصادی مبتنی بر کاهش مبادلات و فروش نفت و تقویت ظرفیت‌های داخلی انجام شده است که خلاصه مهم‌ترین پژوهش‌ها در اینجا یادآوری گردیده است.

محسنی زنوزی و صادق‌وند (۱۳۹۶) طی مطالعاتی، اثر شاخص‌های اقتصاد مقاومتی را بر رشد اقتصادی ایران را مبتنی بر تابع تولید کاب - داگلاس با استفاده از الگوی خودرگرسیون با وقفه‌های توزیع شده، بررسی نمودند و نتایج نشان می‌دهد که شاخص‌های اقتصاد مقاومتی هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت با رشد اقتصادی رابطه مثبت و معنادار دارند.

اصغری (۱۳۹۶)، اهمیت تولید داخلی را در اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم

رهبری بررسی نموده است. معتقد است که با اتکا به تولید داخلی و قدرت درونی کشور می‌توان اشتغال را از دریچه‌های اقتصادی و اجتماعی کشور بهبود بخشید، اقتصاد را از حالت رکود خارج نموده و رشد اقتصادی را در کشور به‌وجود آورد. در نتیجه با پیشگیری از افزایش بیکاری در بخش‌های اقتصادی، باعث رفاه اجتماعی می‌گردد.

شقایق شهری (۱۳۹۶) طی پژوهشی، اثر اقتصاد دانش‌بنیان را در همگرایی تجاری کشورهای اسلامی با رویکرد برون‌گرایی اقتصاد مقاومتی با استفاده از مدل جاذبه تعمیم‌یافته بررسی نموده است. نتایج نشان می‌دهد که شاخص ترکیبی اقتصاد دانش‌بنیان بر تجارت میان کشورهای عضو همکاری اسلامی اثر مثبت دارد. طوری که بهبود هر یک از واحدهای اقتصاد دانش‌بنیان در کشورهای میزبان تجاری، منجر به افزایش ۵,۵۱ میلیون دلار در حجم تجارت دوطرفه بین کشورهای منتخب می‌گردد.

عبادی؛ فراهانی‌فرد و عادلی (۱۳۹۸)، طی مطالعاتی، نقش محوری اقتصاد دانش‌بنیان را بر کنترل بیکاری در ایران با استفاده از داده‌های سری زمانی طی دوره زمانی ۱۳۶۷-۱۳۹۳ توسط مدل خودرگرسیون با وقفه‌های گسترده بررسی و آزمون نمودند. نتایج نشان می‌دهد که بین محورهای مختلف اقتصاد دانش‌بنیان و بیکاری رابطه بلندمدت برقرار است. شاخص رژیم‌های اقتصادی و زیرساخت اطلاعاتی تأثیر منفی و معنادار بر بیکاری داشته، شاخص سیستم ابداعات تأثیر مثبت و معنادار بر بیکاری نشان داده و شاخص آموزش و توسعه منابع انسانی تأثیری بر بیکاری نشان نداده است.

یوسفی و موسوی‌نژاد (۱۳۹۸)، در مطالعاتی نقش و جایگاه رشد اقتصادی را با الگوی اقتصاد مقاومتی ایران با استفاده از پرسش و پاسخ از نظریه‌پردازان و خبرگان اقتصاد مقاومتی به روش نمونه‌گیری نظری و تکنیک گلوله برفی، بررسی و ارزیابی نمودند. نتایج نشان می‌دهد که آسیب‌پذیری رشد اقتصادی از کانال‌های مثل عدم ساختار اقتصاد دانش‌بنیان، فقدان بهره‌وری عوامل تولید، شرایط نامطلوب کسب‌وکار، عدم فناوری جدید تولید، و شرایط نامطلوب در نهادهای بازارهای پولی و مالی، بخش خصوصی، دولت و بخش عمومی می‌باشد.

لطفی و توکلی (۱۳۹۹)، اثر مؤلفه‌های درون‌زایی که بر رشد تولیدات داخلی را بر اقتصاد مقاومتی بررسی نمودند و نتایج پژوهش حاکی از آن است که درون‌زایی

به مفهوم تکیه بر ظرفیت‌های داخلی با حداکثرسازی بهره‌وری به منظور افزایش ارزش افزوده و ثروت ملی در راستای تداوم رشد و امنیت اقتصادی است. طبق نتایج این تحقیق، درون‌زایی نقش مهمی در تحقق مؤلفه‌های برون‌گرایی، مردم‌بنیادی و عدالت‌محوری بر اقتصاد مقاومتی دارد.

غفاری فرد و علمدار (۱۴۰۰)، طی پژوهشی، تأثیر مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی را بر رشد اقتصادی استان‌های ایران با استفاده از روش اقتصادسنجی پنل دیتا، بررسی نمودند و نتایج نشان می‌دهد که رابطه مثبت و معنادار میان شاخص ترکیب اقتصاد مقاومتی و رشد اقتصادی در استان‌های ایران وجود داشته و مؤلفه‌های اقتصاد دانش‌بنیان و عدالت‌بنیانی بیشترین اثر را بر رشد اقتصادی استان‌های ایران دارند.

غفاری فرد؛ ملکی نصر و حاذق (۱۴۰۰)، در تحقیق اثر شاخص ترکیبی اقتصاد دانش‌بنیان را بر کنترل بیکاری در استان‌های ایران با استفاده از رویکرد داده‌های تابلویی از روش حداقل مربعات کاملاً اصلاح شده؛ طی دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ بررسی نمودند و نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین شاخص ترکیبی اقتصاد دانش‌بنیان و بیکاری، رابطه منفی و معنادار وجود دارد، طوری که اگر ضریب متغیر شاخص ترکیبی دانش‌بنیان یک درصد افزایش یابد، نرخ بیکاری در استان‌های ایران ۱، ۱۶ درصد کاهش می‌یابد.

۲-۲. پیشینه خارجی

مفهوم اقتصاد مقاومتی تنها در کشور ایران مطرح بوده و ریشه در نظام اقتصاد اسلامی دارد. در مطالعات اقتصادی سایر کشورها، به جای اقتصاد مقاومتی از مفهوم اقتصاد تاب‌آوری استفاده می‌شود. بخشی از پژوهش‌های اثر مؤلفه‌های تاب‌آوری بر رشد اقتصادی و کاهش بیکاری به طور زیر بیان می‌شود:

ریلو^۱ (۲۰۱۵)، طی مطالعاتی، نقش فناوری اطلاعات بر بیکاری را در کشورهای اتحادیه اروپا بررسی نموده و نتایج تحقیق حاکی از آن است که با افزایش فناوری اطلاعات، نرخ بیکاری در اروپا کاهش یافته است.

کیتسوس و بیشاپ^۲ (۲۰۱۸)، تاب‌آوری اقتصادی و تأثیر بحران را بر مناطق مرجع محلی در بریتانیا بررسی نمودند و نتایج نشان می‌دهد که رکود اقتصادی سال ۲۰۰۸ تأثیر طولانی‌مدت و متفاوتی در کشورها به‌جای گذاشته که اثرهای قابل‌توجه آن برای شرایط اولیه اقتصادی، سرمایه انسانی، ساختار سنی، شهرنشینی و جغرافیا می‌باشد؛ بااین‌حال با اجرای سیاست‌های هدفمند، تا حدودی اثرهای آن شوک بزرگ ناشی از بحران مالی سال ۲۰۰۸ بهبود یافته که در شرایط رشد اقتصادی، اشتغال و کاهش بیکاری نمایانگر بوده و اقتصاد از تاب‌آوری بهتری برخوردار شده است.

اواد^۳ (۲۰۱۹)، طی مطالعاتی اثر برون‌گرایی و جهانی‌سازی اقتصادی را بر بیکاری جوانان در ۵۰ کشور آفریقایی بین دوره زمانی ۱۹۹۴ تا ۲۰۱۳ با استفاده از روش عدم خودهمبستگی سریالی جملات خطا و ابزارها (GMM) بررسی نموده و نتایج نشان می‌دهد که برون‌گرایی و باز بودن بازارهای جهانی، اثر منفی و معنادار با نرخ بیکاری جوانان داشته و تطبیق و پیگیری قوانین بازار کار به کاهش بیکاری جوانان کمک می‌کند. همچنین نشان می‌دهد که افزایش شهرنشینی در آفریقا به بیکاری جوانان افزوده است. اونیفادی و همکاران^۴ (۲۰۲۰)، در پژوهش خودشان رابطه بین تجارت که یکی از مؤلفه‌های تاب‌آوری است را با بیکاری مبتنی بر شواهدی از اقتصاد نیجریه بررسی نمودند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که باز بودن تجارت و برون‌گرایی و سرمایه‌گذاری داخلی تأثیرات قابل‌توجه بر بیکاری در نیجریه داشته ولی به نسبت تجارت ناچیز ناشی از سرمایه‌گذاری داخلی کم، این تأثیرگذاری بر اساس منحنی فیلیپس در کوتاه‌مدت برقرار بوده است.

یو و لی^۵ (۲۰۲۰)، طی مطالعاتی فناوری و آموزش را به‌عنوان راهبرد رشد اقتصاد دانش‌بنیان بر اساس مدل تعادل عمومی قابل محاسبه بررسی نمودند که چگونه می‌توان از طریق تعاملات درون‌زا به نوآوری، انباشت سرمایه انسانی و رشد بلندمدت دست یافت. نتایج نشان می‌دهد: محدودیت‌های برای رشد بهره‌وری وجود دارد که باعث

2. Kitsos, A. & Bishop, P.

3. Awad

4. Onifade, S. T.; Ay, A.; Asongu, S. & Bekun, F. v.

5. Yeo, Y. & Lee, J.D.

می شود افزایش ظرفیت رشد هنگام تمرکز، تنها بر گسترش نوآوری در فناوری محدود می شود؛ باوجوداین ارتقاء شکل گیری مکمل نوآوری در فناوری و سرمایه انسانی تا حدودی منجر به کاهش بیکاری و کاهش نابرابری دستمزد شده و برای تحریک رشد بلندمدت در اقتصاد دانش بنیان، سیاست گذاران باید زیرساخت های آموزشی را تقویت و حمایت کند.

متیو و همکاران^۶ (۲۰۲۰)، نقش توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات را بر بیکاری جوانان به ۴۸ کشور قاره آفریقا با استفاده از برآوردگر روش تعمیم یافته سیستم و روش مدل سازی هیئت رئیسه پویا، طی دوره زمانی ۱۹۹۱ الی ۲۰۱۸ بررسی و آزمون نمودند. نتایج نشان می دهد که سطح پایین اشتراک اینترنت Wi-Fi، اشتراک تلفن های همراه، اشتراک پهنای باند اینترنت تأثیر منفی قابل توجهی بر بیکاری جوانان دارند. همچنین نتایج نشان می دهد که دسترسی خانواده ها به رایانه نیز اثر منفی اما ناچیزی بر بیکاری جوانان داشته است.

همان طور که مشاهده شده تا کنون پژوهشی در مورد اثر اقتصاد مقاومتی بر بیکاری در ایران صورت نگرفته است؛ بنابراین نیاز است در این زمینه تحقیق شود. همچنین بررسی تحقیقات خارجی نشان داد که اغلب مؤلفه های اقتصاد تاب آور و اقتصاد دانش بنیان که اشتراکاتی با اقتصاد مقاومتی دارد، بر بیکاری اثر دارد که این موضوع اهمیت این تحقیق را دوچندان می سازد.

۳. روش شناسی پژوهش

این تحقیق از حیث ابزار یک مطالعه کتابخانه ای از نوع تحلیلی - توصیفی و از نگاه هدف کاربردی است. داده های و اطلاعات مورد نیاز از منابع مختلف که در ادامه توضیح داده خواهد شد، به دست آمده است. داده ها توسط برنامه ایوز ۱۰ با استفاده از روش پانلی پردازش گردیده است. مدل به کاررفته در تحقیق به شکل زیر در نظر گرفته شده است:

$$Unemp = \beta_1 Pe.E + \beta_2 Com.KBI + \beta_3 Inter + \beta_4 FJI + \beta_5 con.P + \beta_6 Ln pop + Inf \dots (1)$$

اجزای رابطه ۱ عبارت از:

$Unemp$: نرخ بیکاری^۷ در این پژوهش متغیر وابسته می‌باشد. همان‌طور قبلاً بیان شد در علم اقتصاد، بیکار به فردی اطلاق می‌شود که در سن ۱۵ تا ۶۵ سالگی در جستجوی کار باشد ولی شغل یا منبع درآمدی نداشته باشد. داده‌های این متغیر از سالنامه آماری ایران گردآوری شده است.

$Pe.E$: شاخص مردم‌محوری یکی از شاخص‌های اقتصاد مقاومتی است و هدف از این شاخص مردمی‌سازی و مولدسازی اقتصاد است. باید گفت محور اصلی اقتصاد مقاومتی، مردم‌بنیاد است؛ یعنی تمرکز این شاخص بر محور دولت و اقتصاد دولتی نیست بلکه اقتصاد مردمی است که با ارادهٔ مردم، سرمایه مردم و حضور مردم تحقق پیدا می‌کند و نقش دولت؛ هدایت، نظارت و کمک به مردم در فعالیت‌های اقتصادی است. قاعدتاً بخش‌های تعاونی، بخش‌های خصوصی و... نمونه‌ای آن باشد؛ اما از آنجایی که می‌بایست دقت داشت که این مطالعه به اطلاعات استانی به‌صورت یک دوره سری زمانی برای ۳۱ استان ایران نیاز دارد که متأسفانه چنین آماری وجود ندارد؛ لذا بر اساس مقدمات و مطالعات مشابه (شقایقی‌شهری، علیزاده، ۱۳۹۵؛ علیزاده، ۱۳۹۵)، شاخص عکس اندازه دولت انتخاب شده است که اطلاعات آن به‌صورت استانی و سری زمانی وجود دارد. در این مطالعه این شاخص از معکوس ساختن نسبت مصارف دولت بر تولید ناخالص داخلی هر استان به‌دست آمده است. به عبارت دیگر در این مطالعه به جای شاخص مردم‌محوری از نسبت تولید ناخالص داخلی و بودجه هر استان استفاده شده است. اگرچه بهتر است به جای این شاخص از شاخص‌های حکمرانی اقتصادی یا شاخص‌های تمرکززدایی استفاده کرد؛ اما باز هم با تأسف چنین آماری در مورد استان‌ها وجود ندارند.

$Inter$: شاخص‌های درون‌زایی اقتصاد مقاومتی عبارت از خودباوری، خوداتکایی، خودکفایی و ارتقای است که قاعدتاً چنین آماری وجود ندارد و به‌ناچار باید به جای این شاخص از شاخص جایگزین استفاده نمود. به نظر می‌رسد بهترین شاخص برای جایگزین درون‌زایی اقتصاد، درآمدهای مالیاتی هر استان است، به این دلیل که عمده

درآمدهای مالیاتی در کشور، استانی هست و بیش از ۹۵ درصد درآمد هر استان را درآمد مالیاتی تعیین می کند و این شاخص بیان کننده فعالیت های درونی هر استان هست که مالیات از آن گرفته می شود و به عنوان درون زایی هر استان لحاظ شده است. بسیاری از منابع کشور از جمله درآمد گمرکی، حقوق ورودی، درآمد نفت و... جز درآمدهای ملی محسوب می شوند که در درآمد استانی لحاظ نمی شود؛ لذا برای اینکه ظرفیت درونی هر استان را با توجه به داده های موجود بررسی شود از شاخص درآمد استانی به عنوان ظرفیت هر استان استفاده شده است. در این مطالعه از نسبت درآمدهای مالیاتی بر تولید ناخالص داخلی هر استان به عنوان شاخص درون زایی استفاده شده است. در صورتی نرخ مالیات ثابت باشد، افزایش درآمدهای مالیاتی هر استان به معنایی افزایش فعالیت های اقتصادی هر استان بوده که با بیکاری رابطه مستقیم دارد.

Com. KBE: دانش بنیانی اقتصاد و یا شاخص ترکیبی اقتصاد دانش بنیان، یکی از مؤلفه های اقتصاد مقاومتی بوده و درعین حال یک شاخص ترکیبی بوده که از ترکیب مؤلفه های شاخص های اقتصاد دانش بنیان (بر اساس تعریف بانک جهانی)^۸ به دست آمده

۸. نهادهای مختلف نظیر بانک جهانی، چهارچوب جهانی مشبک هاروارد و سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OCED)، شاخص های متفاوتی برای اقتصاد دانش بنیان ارائه نموده است. در اینجا برای محاسبه شاخص اقتصاد دانش بنیان از شاخص های بانک جهانی استفاده شده است که عبارت از چهار شاخص اصلی و دوازده شاخص فرعی است: ۱- شاخص مشوق های اقتصادی و نهادی، دارای سه مؤلفه (موانع تعرفه ای و غیرتعرفه ای، کیفیت نظم و ترتیب و نقش قانون و مقررات می باشد). در اینجا شاخص موانع تعرفه ای و غیرتعرفه ای به دلیل تأثیر یکسان روی تمام استان ها لحاظ نشده و به جای دو مؤلفه کیفیت نظم و ترتیب و نقش قانون و مقررات، از معکوس شاخص های فوق یعنی تعداد مخدرات روان گردان کشف شده و تعداد کشف شده گان جرائم استفاده شده است. ۲- شاخص آموزش منابع انسانی دارای سه مؤلفه (نرخ باسوادی، سرانه ثبت نام در سطح دوم آموزش و سرانه ثبت نام در سطح سوم آموزش می باشد). در این پژوهش بر اساس نظر خبرگان تعداد دانشجویان تحصیلات تکمیلی نیز به عنوان یکی از مؤلفه این شاخص به آن اضافه شده است. ۳- شاخص نوآوری و ابداعات از سه مؤلفه (سرانه ثبت اختراع، حق الامتیاز بابت اختراع و سرانه مقاله علمی) می باشد. در این تحقیق تعداد شرکت های دانش بنیان موجود در هر استان نیز به عنوان یکی دیگر از مؤلفه های این شاخص لحاظ شده است. باید گفت که داده های آماری برای سرانه ثبت اختراع به تفکیک استان ها موجود نمی باشد و حق الامتیاز بابت اختراع و نوآوری در تمام استان ها یکسان است؛ لذا این دو مؤلفه از تحقیق حذف می گردد. داده های مربوط به سرانه مقالات علمی نیز موجود نبود؛ بنابراین به جای آن از تعداد مراکز تحقیقات علمی استفاده شده است. ۴- شاخص زیرساخت های اطلاعاتی نیز دارای سه مؤلفه سرانه تلفن، سرانه یارانه و سرانه استفاده از اینترنت می باشد. در این تحقیق نیز از

است. شاخص ترکیبی اقتصاد دانش‌بنیان که در این پژوهش به کار رفته است که توسط بانک جهانی تعریف شده و این مؤلفه‌ها توسط روش موریس با هم ترکیب شده‌اند. این ترکیب یکی از روش‌های مؤثر در زمینه ترکیب منطقی شاخص‌ها است (غفاری‌فرد و دیگران، ۱۴۰۰). در این روش ترکیب شاخص ناموزون موریس از طریق فرمول ذیل محاسبه می‌گردد.

$$y_{ij} = \frac{X_{ij} - X_{imin}}{X_{imax} - X_{imin}} \times 100 \quad (2)$$

در فرمول فوق Y_{ij} شاخص ناموزون موریس برای متغیر i ام در کشور (استان) j ام، X_{ij} مقدار متغیر i ام در کشور (استان) j ام، X_{imin} حداقل مقدار متغیر i ام در بین کشورها (استان‌ها) و X_{imax} حداکثر مقدار متغیر i ام در بین کشورها (استان‌ها) است (Rezvani, 2004). نکته قابل توجه در این روش این است که شاخص‌های به کار گرفته شده باید همسو یا هم‌جهت باشند (Badri & et al., 2006) و اگر چنانچه یک یا تعدادی از شاخص‌ها با دیگر شاخص‌ها همسو و هم‌جهت نباشند، جهت همسو نمودن آن‌ها از معکوس شاخص محاسبه شده از طریق فرمول فوق استفاده گردد و ضریب نهایی شاخص ترکیبی از طریق فرمول زیر محاسبه می‌شود:

$$D.I = \frac{\sum_{i=1}^n Y_{ij}}{n} \quad (3)$$

در رابطه بالا، n تعداد شاخص‌های مورد مطالعه و $D.I$ شاخص اصلی ترکیب شده را نمایش می‌دهد:

FJI : عدالت‌بنیانی اقتصاد یعنی عدالت در توزیع منابع و ثروت است که به منظور سیاست‌های فقرزدایی و تأمین رفاه عمومی، منجر به کاهش متغیرهای (فقر، شکاف طبقاتی و بیکاری) می‌گردد که در این پژوهش به جای این شاخص از شاخص معکوس ضریب جینی استفاده شده است. اگرچه ضریب جینی یک بخشی از فرایند برابری را نشان می‌دهد و تمام ابعاد عدالت را نشان نمی‌دهد؛ اما بر اساس مطالعات بسیار زیاد ضریب جینی به عنوان یک پروکسی از شاخص برابری درآمدی و عدالت

مطرح هست و به دلیل نبود اطلاعات آماری سایر ابعاد عدالت از جمله فرصت‌های برابر در استان‌ها و بهره‌وری عوامل تولید و سهم هر عامل تولید در بین ۳۱ استان از شاخص ضریب جینی به عنوان پروکسی و جانشین استفاده شده است.

con.P: شاخص تداوم پیشرفت سهم تولید ناخالص داخلی استان در تولید ناخالص داخلی کشور را بیان می‌کند. با افزایش تولید ناخالص داخلی استان بیکاری کاهش خواهد یافت؛ لذا ضریب این شاخص منفی خواهد بود.

Inf: نرخ تورم متغیر کمکی در این پژوهش بوده و تورم در علم اقتصاد عبارت از افزایش سطح عمومی قیمت‌ها است. با افزایش تورم با توجه به نوع آن و شرایط جامعه و بنگاه‌های تولیدی، انتظار می‌رود بیکاری کاهش و یا افزایش یابد. در صورتی که تورم باعث ورشکستگی و تعطیل بنگاه‌های تولیدی گردد باعث افزایش بیکاری و در غیر صورت با توجه با افزایش هزینه‌های خانوارها باعث کاهش بیکاری می‌گردد؛ بنابراین انتظار می‌رود ضریب این متغیر مثبت یا منفی باشد.

pop: این متغیر بیانگر اندازه جمعیت ۱۵ سال به بالا برای هر استان بوده و انتظار می‌رود با افزایش جمعیت ۱۵ سال به بالا افراد جویای کار افزایش یافته و در صورتی که بنگاه‌های کافی برای استخدام وجود نداشته باشند، بیکاری افزایش می‌یابد (این موضوع بیشتر در کشورهای در حال توسعه اتفاق می‌افتد)؛ اما در صورتی که هر علتی مثل افزایش نرخ رشد اقتصادی، افزایش سرمایه‌گذاری دولت، افزایش سرمایه‌گذاری خارجی افراد جویای کار توسط بنگاه‌ها استخدام گردد، نرخ بیکاری ثابت و یا کاهش خواهد یافت (این موضوع بیشتر در کشورهای توسعه یافته مصداق دارد). انتظار می‌رود ضریب این متغیر نیز مثبت یا منفی باشد. داده‌های این متغیر از مرکز آمار ایران گردآوری شده و به شکل لگاریتمی آن وارد مدل شده است.

۳-۱. معرفی مدل پنیل دیتا

در این پژوهش به علت نوع داده‌های مورد مطالعه از روش داده‌های پانلی استفاده می‌شود. داده‌های پانلی نوعی از داده‌ها است که ترکیب چند مقطع و دوره زمانی پیوسته (سالانه، فصلی و...) می‌باشد. مقطع بیانگر کشور، شرکت و... است. در صورتی

تعداد مقاطع را N ، طول دوره زمانی را T و متغیرهای مربوط را Y ، X و... نشان دهیم به این ترتیب مشاهدات متغیرها به شکل X_{it} و Y_{it} خواهد بود که i نشان دهنده مقاطع به صورت $i=1,2,3,...,n$ و t نشان دهنده زمان به صورت $t=1,2,3,...,n$ است (سوری، ۱۳۹۴، ص. ۷۸۰). داده‌های ترکیبی برای گسترش روش‌های تخمین محیط مناسبی را فراهم می‌سازد. به محققان این امکان را می‌دهد که از داده‌های پانلی برای بررسی مواردی که امکان مطالعه آن فقط در محیط‌های سری زمانی و مقطعی وجود ندارند، بپردازند. در مدل پنل دیتا متغیرها هم در مقاطع جامعه آماری و هم طی زمان مورد مطالعه، اندازه‌گیری می‌شود. فرض می‌نماییم که تعداد مقاطع برابر با N ، طول دوره برابر با T ، و تعداد متغیرهای توضیحی برابر با K باشد. به زبان ریاضی مدل پنل دیتا را می‌توان چنین نوشت:

$$Y_{it} = i + \beta_1 X_{1it} + \beta_2 X_{2it} + \dots + \beta_K X_{Kit} + U_{it} \quad (4)$$

طوری که در رابطه (4)، i نماد مقاطع، بنگاه، کشور و... است و t زمان را نشان می‌دهد. همچنین k متغیر توضیحی (بدون احتساب عرض از مبده) در X_i وجود دارد. با توجه به اینکه α از چه حالتی پیروی کند سه فرایمان (سناریو) پیش می‌آید: اول، در صورتی هیچ اختلافی بین مقاطع وجود نداشته باشد، α به صورت میانگین تمام مقاطع وارد مدل شده و در این حالت روش حداقل مربعات معمولی^۹ تخمین کارا از α و β ارائه می‌دهد. دوم در صورتی بین مقاطع مختلف اختلاف وجود داشته باشد این اختلاف (بین کشورها، خانوارها و...) در i نشان داده خواهد شد که در طول زمان ثابت فرض می‌شود اختلاف بین مقاطع به صورت تصادفی بوده و در طول زمان ثابت فرض می‌شود که به نام روش اثرهای ثابت^{۱۰} یاد می‌شود. سوم در صورتی که اختلاف بین مقاطع به صورت تصادفی بوده و در طول زمان ثابت نیست، روش دیگری بنام روش اثرهای تصادفی^{۱۱} برای برآورد مدل استفاده می‌شود (سوری، ۱۳۹۲).

9. Ordinary Last Square

10. Fixed Effect

11. Random Effect

۴. یافته های پژوهش

۴-۱. آمار توصیفی

در بسیاری از موارد آمار توصیفی مطالب ارزشمندی را در مورد و نوع دیتا بیان می کند. در اینجا بعضی از مهم ترین آمار توصیفی متغیرها آورده شده است.

جدول (۱): آمار توصیفی متغیرها

متغیرها	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	چولگی	کشیده گی	جارك برا	
								آماره	احتمال
بیکاری (Unimp)	۱۱,۶۴	۱۱,۳	۲۲,۰	۵,۷۷	۲,۹۳	۰,۸۳	۴,۲۶	۳۹,۹	۰,۰۰۰
جمعیت (Pop)	۷,۵۴	۷,۴۶	۹,۵	۶,۳۲	۰,۷۳	۰,۵۲	۲,۸۲	۹,۹۲	۰,۰۰۶۹
دانش بنیانی اقتصاد (KBI)	۲,۴۵	۲,۳۶	۵,۳۶	۱,۳۱	۰,۵۷	۲,۰۸	۱۰,۱۳	۶۱۶,۷۹	۰,۰۰۰
مردمی بودن اقتصاد (Pe.E)	۰,۲۲۹	۰,۲	۱,۲۲	۰,۰۰۲	۰,۱۸	۱,۷	۸,۲۶	۳۵۶	۰,۰۰۰
درون گرایی (Inter)	۰,۰۳	۰,۰۲	۰,۴۳	۰,۰۰۰	۰,۰۳۴	۸,۲۲	۹۱,۰۰	۷۶,۵	۰,۰۰۰
تورم (Inf)	۱۹,۵۲	۱۵,۴۸	۳۹,۱۲	۷,۱۸	۱۰,۲۷	۰,۵۲	۱,۶۹	۲۵,۳۲	۰,۰۰۰۳
عدالت بنیانی (FJE)	۱۳,۱۸	۳,۱۶	۴,۲۹	۲,۴۷	۰,۳۵	۰,۳۵	۲,۸۷	۴,۶۶	۰,۰۹۷
تداوم پیشرفت (Con.P)	۰,۰۳	۰,۰۱۷	۰,۲۷	۰,۰۰۴	۰,۰۴۶	۳,۳	۱۳,۸	۱۳,۸	۰,۰۰۰

منبع: (محاسبات پژوهش)

همان طوری که در جدول ۱ مشاهده می شود ضریب چولگی تمام متغیرهای مثبت بوده و تمام متغیرها دارای چوله در سمت راست و تمایل اکثر متغیرها به مقادیر کوچک تر است. همچنین مثبت بودن ضرایب کشیده گی، گویایی این مطلب است که از توزیع نرمال بلندتر بوده و داده های حول میانگین متمرکز است. در نتیجه آزمون جارك برا^{۱۲} با توجه به اینکه سطح خطای محاسبه شده کمتر از ۰,۰۵ است و توزیع تمامی متغیرهای پژوهش نزدیک به توزیع نورمال می باشد.

۴-۲. آزمون ناهمسانی واریانس

همسانی واریانس یکی از فروض مدل رگرسیون خطی است. با توجه به اینکه جزء اخلاص که در تابع رگرسیون جامعه ظاهر می شود دارای واریانس همسان هستند. در صورتی این فرض تأمین نشود واریانس ناهمسانی گفته می شود. با توجه به نتایج

آزمون ناهمسانی واریانس که انجام شد، احتمال به دست آمده کمتر از ۰,۰۵ است در این تحقیق با ناهمسانی واریانس مواجه هستیم؛ بنابراین جهت رفع ناهمسانی واریانس از تخمین زن $EGLS^{13}$ استفاده شده است.

۳-۴. آزمون اف - لیمر و هاسمن

برای تشخیص داده‌های ترکیبی (panel) و تلفیقی (pool) آزمون اف - لیمر استفاده می‌شود. نتایج آزمون اف - لیمر در جدول (۳) نشان داده شده است که حاکی از تأیید داده‌های ترکیبی (panel) در برابر داده‌های تلفیقی (pool) است. حال برای تعیین نوع داده‌های تابلوی که دارای دو حالت اثرهای ثابت و تصادفی است از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. قسمتی که در جدول زیر مشاهده می‌شود نتایج بیانگر تأیید اثرهای ثابت در برابر اثرهای تصادفی است؛ بنابراین مدل این پژوهش باید به صورت اثرهای ثابت برآورد می‌شود.

جدول (۲): نتایج آزمون اف ت لیمر و هاسمن

آزمون	آماره	مقدار آماره	درجه آزادی	P-Value	نتیجه
اف - لیمر (چاو)	F	۱۹,۶۵	۲۳,۴۵	۰,۰۰۴	داده‌های تابلویی
هاسمن	χ^2	۱۰,۰۵	۹	۰,۰۰۳	روش اثرهای ثابت

منبع: (محاسبات پژوهش)

۴-۴. تخمین و تحلیل مدل

هدف اصلی این مطالعه بررسی تأثیر اقتصاد مقاومتی بر نرخ بیکاری است. از طرف دیگر می‌دانیم که اقتصاد مقاومتی از شاخص‌های مختلف تشکیل شده است؛ بنابراین، این مدل در دو مرحله برآورد و تخمین می‌شود. در مرحله اول تأثیر هر یک از شاخص اقتصاد مقاومتی را بر نرخ بیکاری برآورد نموده و در مرحله دوم شاخص‌های اقتصاد مقاومتی را به روش موريس ترکیب نموده و تأثیر شاخص ترکیبی به دست آمده بر نرخ بیکاری برآورد شده است. برای تخمین هر دو مدل با استفاده از تخمین زن EGLS

13. Estimated Generalized Least Squares

توسط برنامه ایوز ۱۰، انجام شده اند. نتایج تخمین در جداول ۳ و ۴ نشان داده شده است.

جدول (۳): نتایج تخمین مدل

متغیرها	ضریب	انحراف معیار	آماره t	سطح اطمینان
مردمی بودن اقتصاد (Pe.E)	۰/۰۰۱۸	۰/۰۰۲	۰/۸۴	۰/۰۰۴
ش. ت. د.ب.ا. ^{۱۴} (Com.KBE)	-۰/۶۱	۱/۱۴	۴/۴۵	۰/۰۰۰
درون زایی (Inter)	-۰/۶۸	۰/۹۴	۲/۷۲	۰/۰۴۷
عدالت بنیانی (FJE)	-۰/۵۸	۰/۲۸	۲/۰۶	۰/۰۴۰
تداوم پیشرفت (Con. P)	-۰/۶۱	۴/۴۲	۰/۱۴	۰/۰۸۹
جمعیت (Lpop)	۰/۲۹	۰/۱۷	-۱/۸۲	۰/۰۸
تورم (Inf)	-۰/۰۳	۰/۰۲	-۱/۷	۰/۰۶
عدد ثابت (C)	۹/۵	۱/۴۶	۶/۵۳	۰/۰۰۰

منبع: (محاسبات پژوهش)

جدول (۴): نتایج تخمین شاخص ترکیبی اقتصاد مقاومتی بر نرخ بیکاری

متغیرها	ضریب	انحراف معیار	آماره t	سطح اطمینان
شا. تر. اق.مقا. ^{۱۵} (Com.Steg)	-۰/۰۵۳	۰/۰۱۳	۴/۱۳	۰/۰۰۰۱
تورم (Inf)	-۰/۰۱۶	۰/۰۱۳	۱/۳۴	۰/۰۱۸
جمعیت (Lpop)	۱/۷۲	۰/۰۶۱	۲۸/۲۸	۰,۰۰۰۰

منبع: (محاسبات پژوهش)

با توجه به نتایج برآورد که در جدول ۳ مشاهده می شود، تأثیر شاخص های مردمی سازی اقتصاد (اقتصاد مردم محور) منفی بوده و با افزایش یک درصد این شاخص

۱۴. شاخص ترکیبی دانش بنیانی اقتصاد

۱۵. شاخص ترکیبی اقتصاد مقاومتی

نرخ بیکاری ۰,۰۰۱۸ درصد کاهش می‌یابد. با توجه به اینکه به‌جای این متغیر از نسبت تولید ناخالص داخلی و مصارف دولتی هر استان به‌عنوان شاخص جاگزین استفاده شده است، این موضوع بیانگر این است که در صورتی که تولید ناخالص داخلی هر استان نسبت به مصارف دولت افزایش یابد نرخ بیکاری افزایش خواهد یافت. دلیل این مطلب این است که زمانی که بنگاه‌هایی دولتی به بنگاه‌هایی خصوصی تبدیل شود، بنگاه‌هایی خصوصی به‌منظور کاهش مصارف و افزایش بهره‌وری و استفاده حداکثر از نیروی کار، نیروی کار کمتر استخدام می‌کند و بخش از نیروی کار اخراج می‌کند؛ اما ضریب به‌دست‌آمده خیلی کوچک بوده و مصارف دولت در اقتصاد تأثیر قابل توجه بر نرخ بیکاری ندارد. تأثیر شاخص ترکیبی دانش‌بنیانی بر نرخ بیکاری منفی است. به‌نحوی که با افزایش یک درصد شاخص دانش‌بنیانی اقتصاد، نرخ بیکاری ۰,۶۱ درصد کاهش می‌یابد. نرخ بیکاری با شاخص درون‌زایی اقتصاد رابطه غیرمستقیم دارد. با افزایش یک درصد شاخص درون‌زایی اقتصاد، نرخ بیکاری ۰,۶۸ درصد کاهش می‌یابد. همان‌طوری که گفته شد، این شاخص از تقسیم مقدار مالیات بر تولید ناخالص داخلی استان تشکیل شده است. با افزایش نرخ مالیات (بدون افزایش تولید ناخالص داخلی) بنگاه‌ها یا به تعطیلی رفته و یا سرمایه‌هایشان را از کشور خارج می‌کند. قاعدتاً ضریب این متغیر مثبت باید باشد؛ اما ضریب این متغیر منفی بوده و این موضوع به این معنا است که به هر اندازه معافیت مالیاتی و یا فرار مالیاتی کاهش یابد، نرخ بیکاری نیز کاهش می‌یابد. برای منفی بودن ضریب این متغیر دلایلی چون ایجاد شغل‌ها و فعالیت‌هایی جدید، شناسایی پایه‌های مالیاتی جدید، شفافیت در گردآوری مالیات‌ها، کاهش فرار و معافیت مالیاتی و... را می‌توان نام برد. شاخص عدالت‌بنیانی^{۱۶} (معکوس ضریب جینی هر استان) با نرخ بیکاری رابطه مستقیم داشته و با افزایش این شاخص نرخ بیکاری کاهش می‌یابد. این مفهوم که با افزایش فاصله طبقاتی (افزایش ضریب

۱۶. عدالت در اصل یک مفهوم کیفی بوده و در علوم متفاوت معانی متفاوت ارائه می‌کند. در علم اقتصاد به‌ویژه در بخش عدالت مالیاتی، انواع عدالت مورد بحث قرار می‌گیرد. در این تحقیق منظور از عدالت اقتصادی (عدالت‌بنیانی)، کاهش فاصله میان افراد ثروتمند و فقیر جامعه است که به جای این شاخص از معکوس شاخص عدالت (ضریب جینی) استفاده شده است.

جینی) هر استان نرخ بیکاری نیز افزایش می‌یابد؛ طوری که با افزایش یک درصد شاخص عدالت‌بنیایی (معکوس ضریب جینی)، نرخ بیکاری ۰,۵۸ درصد افزایش می‌یابد. شاخص تداوم پیشرفت با نرخ بیکاری رابطه معکوس دارد. با افزایش یک درصد شاخص تداوم پیشرفت، نرخ بیکاری ۰,۶۰ درصد کاهش می‌یابد. ضریب متغیر مردمی بودن اقتصاد (اقتصاد مردم‌محور) با احتمال ۹۵ درصد، ضریب شاخص ترکیبی دانش‌بنیانی اقتصاد با احتمال ۹۹ درصد، متغیر درون‌زایی اقتصاد با احتمال ۹۵ درصد، ضریب متغیر عدالت‌بنیانی با احتمال ۹۵ درصد و ضریب متغیر تداوم پیشرفت با احتمال ۹۰ درصد از لحاظ آماری معنادار است. به این ترتیب به استثنای شاخص مردمی بودن اقتصاد (اقتصاد مردم‌محور) تأثیر تمام شاخص‌های اقتصاد مقاومتی بر نرخ بیکاری منفی بوده و ضرایب تمام تمامی متغیرهای اصلی حداقل با احتمال ۹۰ درصد معنادار است. همچنان متغیر نرخ تورم با بیکاری رابطه معکوس داشته درحالی که متغیر اندازه جمعیت با بیکاری رابطه مستقیم دارد، طوری که با افزایش یک درصد نرخ تورم، نرخ بیکاری ۰,۰۳ درصد کاهش و با افزایش یک درصد جمعیت، نرخ بیکاری ۰,۲۹ درصد افزایش می‌یابد. ضریب متغیرهای تورم و جمعیت به ترتیب با احتمال ۹۳ و ۹۲ درصد معنادار است.

همچنان در مدل دوم که تأثیر شاخص ترکیبی اقتصاد مقاومتی بر نرخ بیکاری سنجش شده است، نتیجه مدل نشان می‌دهد با افزایش یک درصد شاخص ترکیبی اقتصاد مقاومتی، نرخ بیکاری ۰,۰۵۳ درصد کاهش می‌یابد. همچنان با افزایش یک درصد نرخ تورم، بیکاری ۰,۰۱۷ درصد کاهش و با افزایش یک درصد جمعیت، بیکاری ۱,۷۲ درصد افزایش می‌یابد.

نتیجه‌گیری

بیکاری یکی از معضلات کشورهای در حال توسعه بوده که حل این معضل نیاز به برنامه‌ریزی درست و همه‌جانبه دارد. ایران یکی از معدود کشورهای جهان هست که مورد تحریم‌های آمریکا، اتحادیه اروپا و شورایی امنیت قرار گرفته است. هرچند تحریم‌های شورای امنیت با توافق برجام رفع و یا تعلیق شد؛ اما وضع تحریم‌های

اقتصادی باعث گردیده است که شاخص‌های کلان اقتصادی ایران از جمله نرخ بیکاری دچار نوسان و تغییر شود. یکی از راه‌هایی که ایران را از این تغییرات تا حدی مصون نگه می‌دارد؛ به عقیده نظریه‌پردازان اقتصاد مقاومتی، روی آوردن به اقتصاد مقاومتی و از این طریق قوی ساختن اقتصاد، در مقابل تکانه‌های خارجی است؛ بنابراین در این پژوهش تأثیر شاخص‌های اقتصادی مقاومتی بر بیکاری مورد مطالعه قرار گرفت که در دو مرحله، در قالب دو مدل اثر شاخص‌های اقتصاد مقاومتی بر نرخ بیکاری تخمین شده است، طوری که در مرحله اول تأثیر هر یک از شاخص اقتصاد مقاومتی را بر نرخ بیکاری برآورد نموده و در مرحله دوم شاخص‌های اقتصاد مقاومتی را به‌روش موریس ترکیب نموده و تأثیر شاخص ترکیبی اقتصاد مقاومتی (شاخص ترکیبی موریس) بر نرخ بیکاری برآورد گردید. نتایج مدل نخست نشان می‌دهد که با افزایش یک درصد شاخص مردمی بودن اقتصاد (اقتصاد مردم‌محور)، نرخ بیکاری ۰,۰۱۸ درصد افزایش می‌یابد. با افزایش یک درصد شاخص ترکیبی اقتصاد دانش‌بنیان، نرخ بیکاری ۰,۶۱ درصد کاهش می‌یابد. با افزایش یک درصد شاخص درون‌گرایی اقتصاد، نرخ بیکاری ۰,۶۸ درصد کاهش می‌یابد. با افزایش یک درصد شاخص عدالت‌بنیانی (معکوس ضریب‌جینی)، نرخ بیکاری ۰,۵۸ درصد کاهش می‌یابد و با افزایش یک درصد شاخص تداوم پیشرفت، نرخ بیکاری ۰,۶۰ درصد کاهش می‌یابد. همچنان با افزایش یک درصد جمعیت، نرخ بیکاری ۰,۲۹ درصد، و با افزایش یک درصد نرخ تورم، نرخ بیکاری ۰,۰۳ درصد کاهش می‌یابد. با توجه به نتایج مدل اول، در مجموع می‌توان گفت ضریب تمام شاخص‌های اصلی به استثنای شاخص مردم‌محوری بر نرخ بیکاری منفی بوده و باعث کاهش نرخ بیکاری می‌گردد.

در مدل دوم شاخص‌های اقتصاد مقاومتی به روش موریس ترکیب شده و شاخص ترکیبی بر نرخ بیکاری برآورد شده است. نتایج این برآورد نشان می‌دهد که افزایش یک درصد شاخص ترکیبی اقتصاد مقاومتی نرخ بیکاری ۰,۰۵۴ درصد کاهش می‌یابد. همچنان با افزایش یک درصد جمعیت، نرخ بیکاری ۱,۷۲ درصد افزایش و با افزایش یک درصد نرخ تورم، نرخ بیکاری ۰,۰۱۷ درصد کاهش می‌یابد.

توصیه‌ها

۱- دانش‌بنیانی اقتصاد نقش قابل توجه بر کنترل بیکاری داشته و از طرف دیگر جهان به شدت از اقتصاد منبع‌محور فاصله گرفته و به سمت اقتصاد دانش حرکت می‌کند. جهت کاهش بیکاری به سیاست‌های افزایش اقتصاد دانش‌بنیان در استان‌ها به‌ویژه حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان، گسترش پارک‌های علم و فناوری در پهنه سرزمین و گسترش مراکز فنی و مهارتی به‌ویژه در مناطق محروم کشور توجه ویژه صورت گیرد.

۲- جهت تقویت درون‌زایی اقتصاد سیاست‌هایی نظیر ایجاد شغل‌ها و فعالیت‌هایی جدید، شناسایی پایه‌های مالیاتی جدید، شفافیت در گردآوری مالیات‌ها، کاهش فرار و معافیت مالیاتی و... جهت کاهش بیکاری در دستور کار قرار گیرد؛ بنابراین افزایش اندازه و پایه‌های مالیات با رعایت عدالت اقتصادی برای کاهش بیکاری ضروری به نظر می‌رسد.

۳- از آنجایی که تأمین عدالت اقتصادی باعث کاهش بیکاری می‌گردد؛ از طرف دیگر تأمین عدالت اقتصادی یکی از اهداف اصلی اسلام و هر آیین آسمانی دیگر است، توزیع اعتبارات و تسهیلات بانکی و کمک‌های فنی و اعتباری به قشرها و دهک‌های پایین درآمدی و مناطق محروم کشور جهت کنترل بیکاری در این مناطق امری ضروری است.

۴- شاخص تداوم پیشرفت نیز در کنترل بیکاری اهمیت ویژه دارد؛ بنابراین جهت افزایش تولید ناخالص داخلی هر استان برنامه‌ریزی دقیق نیاز است تا نقش و وظیفه هر استان در تقسیم کار ملی آمایش سرزمین مشخص شود.

کتابنامه

نهج البلاغه.

ابراهیم زاده، عیسی؛ اسکندری ثانی، محمد و رمضان پور، صغری (۱۳۹۵). راهبرد تعدیل فقر در محلات شهری با رویکرد اقتصاد مقاومتی؛ مطالعه موردی: کلان شهر تهران. فصلنامه جغرافیا و توسعه، سال چهاردهم، (۱)، ۱-۲۳.

اخوان، پیمان؛ ایمانی، ساناز و نبی زاده، معصومه (۱۳۹۵). تبیین مؤلفه های اقتصاد مقاومتی در کشور با استفاده از روش دیمتل - آی. اس. ام فازی. فصلنامه راهبرد دفاعی، ۱۴(۱)، ۱-۳۵. ارشدی، وحید؛ نوبخت، جواد؛ اسماعیل پور ثانی، رضا و سید حسین زاده یزدی، سعید (۱۴۰۰). فراتحلیل مطالعات اقتصاد مقاومتی در ایران: شناسایی عوامل مؤثر بر استحکام ساخت درونی سازمان برابر تکرانه ها. مطالعات اقتصاد اسلامی، ۱۴(۱)، ۱۲۷-۱۶۹.

اصغری، محمود (۱۳۹۶). اهمیت تولید داخلی در اقتصاد مقاومتی از منظر مقام معظم رهبری. فصلنامه پژوهش های اجتماعی اسلامی، ۲۳(۱۱۵)، ۴۹-۷۲.

خامنه ای، سید علی: Khamenei.ir

دفتر جمعیت (۱۳۹۱). مرکز آمار ایران.

سوری، علی (۱۳۹۲). اقتصادسنجی پیشرفته. جلد دوم، تهران: فرهنگ شناسی. شقاقی شهری، وحید و علیزاده، شیوا (۱۳۹۵). آثار اقتصاد دانش بنیان بر درونزایی اقتصاد ایران. جستارهای اقتصادی با رویکرد اسلامی، ۱۳(۲۶)، ۳۳-۶۴.

شقاقی شهری، وحید (۱۳۹۶). نقش اقتصاد دانش بنیان بر همگرایی تجاری کشورهای اسلامی با رویکرد برون گرایی اقتصاد مقاومتی. دوفصلنامه علمی - پژوهشی جستارهای اقتصادی ایران، ۱۴(۲۸)، ۹-۳۱.

عبادی، امیر؛ فراهانی فرد، سعید و عادل، امیدعلی (۱۳۹۸). نقش محوری اقتصاد دانش بنیان در کنترل بیکاری فصلنامه سیاست های مالی و اقتصادی، (۲۵)، ۱۲۹-۱۵۰.

علیزاده، شیوا (۱۳۹۵). اثرات اقتصاد دانش بنیان بر درونزایی اقتصاد ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی، دانشکده اقتصاد، گروه اقتصاد اسلامی.

غفاری فرد، محمد و علمدار، غلامعباس (۱۴۰۱). بررسی آثار اقتصادی مؤلفه های اقتصاد مقاومتی بر رشد اقتصادی در استان های ایران. فصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی، ۱۴(۲)، ۶۰۳-۶۳۸.

غفاری فرد، محمد؛ ملکی نصر، هاشم و حاذق، سید محمد (۱۴۰۰). اثر شاخص ترکیبی اقتصاد

دانش‌بنیان بر کنترل بیکاری (مطالعه موردی استان‌های ایران). رهیافت، (۸۱)، ۹۱-۱۰۸.

لطفی، حبیب‌الله و توکلی، محمدجواد (۱۳۹۹). مفهوم و مؤلفه‌های درون‌زایی در اقتصاد مقاومتی. فصلنامه معرفت، سال بیست و نهم، (۵)، ۴۹-۶۰.

محسنی زنوزی، سید جمال‌الدین و صادق‌وند، بهزاد (۱۳۹۶). تأثیر شاخص‌های منتخب اقتصاد مقاومتی بر رشد اقتصادی ایران. فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال هفدهم، (۶۷)، ۳۹-۶۳.

نوفروستی، محمد (۱۳۹۵). اقتصاد مقاومتی و راه‌های دست‌یابی به آن. فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، سال چهارم، ویژه‌نامه اقتصاد مقاومتی، ۱۵۷-۱۶۸.

یوسفی، مجید و موسوی‌نژاد، مصطفی (۱۳۹۸). نقش و جایگاه رشد اقتصادی در الگوی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، سال هفدهم، (۷۸)، ۱۷۹-۲۰۲.

- Awad, A. (2019). Economic globalisation and youth unemployment-evidence from African countries. *International Economic Journal*, 33(2), 252-269.
- Badri, S. A. & et al. (2006). Determining the levels of development of rural areas of Kamyaran city. *Geographical Research Quarterly*, 21(82), 116-130.
- Chen, D. H. & Dahlman, C. J. (2005). The knowledge economy, the KAM methodology and World Bank operations, *World Bank Institute Working Paper*, (Oct) 19(37256).
- Dasgupta, P. & David, p. (1994). Toward a New Economics of Science. *Research Policy*, 33(5), 487-521.
- Fagerberg J. & Versagen, B. (2003). *Innovation, growth and economic development: Why some countries succeed and others don't*. In Conference: Innovation Systems and development Strategies for the Third Millenium, Rio de Janeiro. Brazil.
- Farjamneya, W.; Muntakhab, H. & Muhmmadzada, y. (2017). *Misery index effect on social capital in Iran*. Urmia University.
- Khorsandi, M. & Ali Babaei, N. (2016). Comparison of the effect of unemployment and inflation on happiness. *Economic Research Journal*, (63), 1-24.
- Kitsos, A. & Bishop, P. (2018). Economic resilience in Great Britain: the crisis impact and its determining factors for local authority districts. *The Annals of Regional Science*, 60(2). 329-347.
- Metu, A. G.; Ajudua, E.; Eboh, I.; Ukeje, C. & Madichie, C. (2020). Ending youth unemployment in sub-saharan Africa: Does ICT development have any role? *African Development Review*, (32), 20-31.
- Onifade, S. T.; Av, A.; Asongu, S. & Bekun, F. V. (2020). Revisiting the trade and unemployment nexus: Empirical evidence from the Nigerian economy. *Journal of Public Affairs*, 20(3), e2053.
- Phillips, W. (1958). The Relation between unemployment and the rate of change

- of money wage rates. *working paper, London school*, (10), 1111.
- Rezvani, M. R. (2004). Assessing and analyzing the levels of development of rural areas in Sanandaj city using GIS. *Journal of Geography and Regional Development*. (3), 149-164.
- Rillo, G. (2015). *Shocks and institutions: assessing the role of ICT on unemployment*.
- Welsch, H. (2007). Macroeconomics and life satisfaction: Revisiting the Misery index. *Journal of Applied Economics*, 10(2), 237-251.
- Yeo, Y. & Lee, J. D. (2020). Revitalizing the race between technology and education: Investigating the growth strategy for the knowledge-based economy based on a CGE analysis, *Technology in Society*, 101295. doi:10.1016/j.techsoc.2020.101295
- Zhang, J. (2010). *Human Capital Investment and Labor Market Management in China*, National Natural Science Foundation (significant project), China 2003-2007, Junsen Zhang (First Co-I).

References

- Nahjolbalagha.
- Abadi, A.; Farahani fard, S. & Adili, A.A. (2019). The pivotal role of the knowledge-based economy in controlling unemployment, *Quarterly Journal of Fiscal and Economic Policies*, 7(25), 129-150. (In persian)
- Arshadi, V.; Nobakht, J.; Esmaeilpour Sani, R. & Seyyed Hoseinizadeh Yazdi, S. (2022). The Meta-Analysis of Resistance Economics Studies in Iran: Identify the Factors Affecting the Strength of the Internal Structure of the Organization Against Shock *Journal Of Islamic Economics Studies*, 14(1), 2022, 127-169. (In persian)
- Asghari, M. (2017). The importance of domestic production in a resistance economy from the perspective of the Supreme Leader, *Quarterly Journal of Islamic Social Research*, 23(115). (In persian)
- Awad, A. (2019). Economic globalisation and youth unemployment–evidence from African countries, *International Economic Journal*, 33(2), 252-269.
- Badri, S. A. & et al. (2006). Determining the levels of development of rural areas of Kamyaran city, *Geographical Research Quarterly*, 21(82), 116-130.
- Chen, D. H. & Dahlman, C. J. (2005). The knowledge economy, the KAM methodology and World Bank operations, *World Bank Institute Working Paper*, (Oct) 19(37256).
- Dasgupta, P. & David, p. (1994). Toward a New Economics of Science, *Research Policy*, 33(5), 487-521.
- Ebrahimzadeh, I.; Skandarisan, M. & Ramazanpoor, G. (2016). Poverty alleviation strategy in urban areas with a resistance economy approach; Case study: Tehran metropolis, *Quarterly Journal of Geography and Development*, 14(44), 1-24. (In persian)
- Fagerberg J. & Versagen, B. (2003). Innovation, growth and economic development: Why some countries succeed and others don't, In *Conference: Innovation Systems and development Strategies for the Third Millenium*, Rio

- de Janeiro. Brazil.
- Farjamneya, W.; Muntakhab, H. & Muhmmadzada, y. (2017). Misery index effect on social capital in Iran. Urmia University.
- Gaffari fard, M.; Maliki Nasr, H. & Haziq, S.M. (2021). Effect of Combined Index of Knowledge-Based Economy on Unemployment Control, Case Study: of Iranian Provinces, Jurnal Rahyaft, 31(1), 91-108. (In persian)
- Ghaffari fard, M. & Alamdar, G.A. (2021). The effect of the combined index of resistance economy on economic growth in the provinces of Iran, Quarterly Journal of Islamic Economics Studies, 14(2), 603-636. (In persian)
- Imani, S.; Nabizadeh, M. & Ekhvan, P. (2016). Explaining the components of resistance economy in the country using Demetel-I method. Fuzzy sum, Quarterly Journal of Defense Strategy, 14(1), 1-35. (In persian)
- Khorsandi, M. & Ali Babaei, N. (2016). Comparison of the effect of unemployment and inflation on happiness, Economic Research Journal, (63), 1-24.
- Kitsos, A. & Bishop, P. (2018). Economic resilience in Great Britain: the crisis impact and its determining factors for local authority districts, The Annals of Regional Science, 60(2). 329-347.
- Lotfi, H. & Tawkoli, M. J. (2020). The concept and components of endogenousness in a resistance economy, Jurnal Marefat, 29(5), 49-60. (In persian)
- Metu, A. G.; Ajudua, E.; Eboh, I.; Ukeje, C. & Madichie, C. (2020). Ending youth unemployment in sub-saharan Africa: Does ICT development have any role? African Development Review, (32), 20-31.
- Mohsini Zanozi, S. J. & Sadiqvand, B. (2017). The effect of selected indicators of resistance economy on Iran's economic growth, Jurnal Islamic economy, 17(67), 39-63. (In persian)
- Newfaresti, M. (2016). Resistance economics and ways to achieve it, Quarterly Journal of Strategic and Macro Policies, (4), 157-168. (In persian)
- Onifade, S. T.; Ay, A.; Asongu, S. & Bekun, F. V. (2020). Revisiting the trade and unemployment nexus: Empirical evidence from the Nigerian economy, Journal of Public Affairs, 20(3), e2053.
- Phillips, W. (1958). The Relation between unemployment and the rate of change of money wage rates, working paper, London school, (10), 1111.
- Population Office (2012). Statistical Center of Iran. (In persian)
- Qasimi, A. & Rajaei Rmishah, S. M. K. (2020). Components, Criteria and Indicators of Populism in a Resistance Economy, Jurnal Marefat, 272(5), 61-69. (In persian)
- Rezvani, M. R. (2004). Assessing and analyzing the levels of development of rural areas in Sanandaj city using GIS, Journal of Geography and Regional Development, (3), 149-164.
- Rillo, G. (2015). Shocks and institutions: assessing the role of ICT on unemployment.
- Shaqiqishahri, V. (2017). The role of knowledge-based economy in the commercial convergence of Islamic countries with the extraversion approach of resistance economy, Bi-Quarterly Journal of Iranian Economic Research, 14(28), 9-31. (In persian)

- Soori, A. (2013). Advanced econometrics, Volume 2, Tehran: Farhangology Publishing. (In persian)
- Statement by the Leader of Iran in the Kha menei.ir.
- Welsch, H. (2007). Macroeconomics and life satisfaction: Revisiting the Misery index, Journal of Applied Economics, 10(2), 237-251.
- Yeo, Y. & Lee, J. D. (2020). revitalizing the race between technology and education: Investigating the growth strategy for the knowledge-based economy based on a CGE analysis, Technology in Society, 101295. doi:10.1016/j.techsoc.2020.101295
- Yosufi, M. & Musavi Nejad. (2019). The role and position of economic growth in the model of resistance economy of the Islamic Republic of Iran, Quarterly Journal of Strategic Defense Studies, 17(78), 179-202. (In persian)
- Zhang, J. (2010). Human Capital Investment and Labor Market Management in China, National Natural Science Foundation (significant project), China 2003-2007, Junsen Zhang (First Co-I).

